

پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۵، شماره ۱، بهار ۱۳۹۸
صفحات ۷۳-۵۳ (مقاله پژوهشی)

بررسی فقهی - حقوقی خروج زوجه از منزل در دوران عقد

سیدعلی علوی قزوینی^۱، زهرا سادات سرکشیکیان^{۲*}

۱. دانشیار، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران

۲. پژوهشگر جامعه الزهراء (س)، دانشجوی دکتری، دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات اصفهان، اصفهان، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱)

چکیده

در عرف کنونی جامعه ایران معمولاً میان عقد ازدواج و شروع زندگی مشترک زوجین، فاصله زمانی وجود دارد که به آن دوران عقدبستگی می‌گویند، در این بازه زمانی دختر علی‌رغم اینکه همسر شرعی و قانونی زوج محسوب می‌شود، عملاً در منزل پدر یا منزلی غیر از مسکن شوهر سکونت دارد، این رویه اجتماعی احکام و قانون‌های فقهی و حقوقی ویژه‌ای در ارتباط با چگونگی رعایت حقوق زوجین در این بازه زمانی را می‌طلبد که از جمله مسئله خروج زوجه از محل سکونت خود بدون استیذان از شوهر یکی از این موارد است و در این مجال پرسشی مطرح می‌شود که آیا در این دوران نیز همانند دوران زندگی مشترک، استیذان از زوج برای خروج از منزل واجب است یا خیر؟ در این مقاله برای پاسخ به این سؤال ابتدا به بیان حقوق زوج و طرح نظریات فقها در رابطه با وجوب یا عدم وجوب استیذان در دوران عقد پرداخته شده و سپس با طرح و نقد دلایل قائلان به وجوب استیذان، از منظر فقهی با استناد به شرط ارتکازی ضمنی، ملازمه بین حق و وظیفه، عرف رایج و استفاده از حق حبس و از منظر حقوقی با استناد به رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور، عدم لزوم استیذان زوجه از شوهر برای خروج از منزل در دوران عقدبستگی برگزیده شده است.

واژگان کلیدی

استیذان، حق حبس، خروج از منزل، شرط ارتکازی ضمنی، عقدبستگی.

مقدمه

از نظر فقه امامیه یکی از حقوق زوج که در کتب فقهی مطرح شده است و مشهور فقها به آن قائلند «استیذان زوجه از زوج در مسئله خروج از منزل» بوده، اما چالشی که پیرو این مسئله به وجود آمده و امروزه در جامعه ایران مطرح شده، خروج زوجه از منزل پدر یا منزلی غیر از مسکن شوهر است که در دوران عقدبستگی یعنی فاصله زمانی بین عقد و عروسی، در آن سکونت می‌کند و اینکه در رابطه با این امر، فقها به دو نظر کاملاً متفاوت و در مقابل یکدیگر قائل شده‌اند: معدودی از آنها به صراحت قائل به آزادی زوجه در خروج از منزل بدون استیذان از زوج، اما اکثر آنها قائل به وجوب استیذان زوجه از زوج برای خروج از منزل در دوران عقد هستند.

در نتیجه با توجه به امر مذکور و اینکه این امر ارتباط مستقیمی با مسئله ناشزه یا عدم ناشزه بودن زوجه دارد و هیچ مقاله یا کتابی به بیان کامل و تحلیل این بحث پرداخته است، در تحقیق حاضر به بیان کامل نظریات فقها در رابطه با این مسئله و بررسی نظریات آنها و حتی بیان مصادیق مختلف فقهی مرتبط با این بحث، از جمله مستثنیات خروج زوجه از منزل، حق حبس، و حتی اشاره‌ای خواهیم پرداخت که در حقوق مدنی در رابطه با بحث مورد نظر مطرح شده است، تا در نهایت بتوانیم به این سؤال پاسخ دهیم که آیا از نظر فقهی و حقوقی، زوجه در دوران عقد می‌تواند بدون استیذان از زوج از منزلی که در آن سکونت می‌کند، خارج شود یا خیر؟

حقوق زوج

در ابتدا به عنوان مقدمه باید ذکر کرد که به طور کلی زوج بر زوجه حقوقی دارد که در فقه تحت عنوان تمکین عام و خاص از آن یاد شده است. تمکین خاص: نزدیکی جنسی با شوهر و تمکین عام: حسن معاشرت با شوهر و اطاعت از او در امور مربوط به زناشویی، مانند خارج نشدن از منزل است (امامی، ج ۴: ۴۴۷ و ۴۴۸؛ ر.ک: نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱: ۱۴۷).

در نتیجه بحث خروج زوجه از منزل، در حیطة تمکین عام قرار می‌گیرد که دو نظر کلی در بین قداما در رابطه با آن وجود دارد: ۱. مشهور فقهای امامیه قائل به ممنوعیت

مطلق خروج زن از منزل بدون اذن شوهر در غیر انجام دادن واجب هستند (مفید، ۱۴۱۳: ۵۱۸؛ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۴: ۳۳۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۹۵)؛

۲. برخی از فقها، خروج زن از منزل بدون اذن شوهر را در صورتی که منافات با حق کامجویی شوهر نداشته باشد، جایز دانسته‌اند (موسوی خویی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۲۸۹؛ طباطبایی حائری، بی تا، ج ۲: ۱۵۲).

اما آنچه در این مقاله مورد نظر خواهد بود، بحث خروج زوجه از منزل در دوران عقدکردگی است که در دوران کنونی مورد توجه قرار گرفته و آرا و فتاوی گوناگونی در ارتباط با آن بیان شده است. در این مقاله به بیان و تحلیل مباحث مربوط به این بحث پرداخته خواهد شد؛

خروج زوجه در دوران عقد از منظر فقه

در فقه مسئله خروج زوجه از منزل در دوران عقدبستگی به صورت صریح در فتاوی برخی از فقها و به صورت غیرصریح در مباحث مستثنیات خروج زوجه از منزل و حق حبس مطرح شده است. در ذیل به طرح و تحلیل این مباحث می‌پردازیم.

فتاوی صریح فقها

برخی از فقها به صراحت در رابطه با استیذان زن از شوهر برای خروج از منزل در دوران عقد اظهار نظر کرده‌اند که به طور کلی به دو قول تقسیم می‌شود:

قول اول: وجوب اجازه زوجه از زوج برای خروج از منزل در دوران عقد

برخی از فقهای که معتقد به این عقیده‌اند، عبارتند از: آیت‌الله بهجت (بهجت گیلانی، ۱۴۲۸، ج ۴: ۹۸)؛ آیت‌الله فاضل (فاضل لنکرانی، بی تا، ج ۱: ۴۴۱)؛ آیت‌الله صافی گلپایگانی (استفتائات موجود در واحد پاسخ به سؤالات جامعه الزهراء (س) www.pasokhbesoalat.ir)؛ آیت‌الله سیستانی (رک: استفتائات موجود در واحد پاسخ به سؤالات جامعه الزهراء)؛ آیت‌الله نوری همدانی (رک: استفتائات موجود در واحد پاسخ به سؤالات جامعه الزهراء)؛ امام خمینی (موسوی خمینی، ۱۴۲۲، ج ۳: ۱۴۷).

فقه‌های مذکور بین دوران عقد و غیر آن فرقی قائل نشده‌اند، در نتیجه دلیل آنها بر این قول، همان دلایلی است که مشهور فقها در رابطه با وجوب استیذان زوجه از زوج در خروج از منزل در دوران زندگی مشترک مطرح کرده‌اند؛ اما با بررسی و تحلیل ادله قول مشهور، می‌توان به این نتیجه رسید که این ادله فقط بر وجوب استیذان زوجه از زوج در دوران زندگی مشترک دلالت دارد و بر وجوب استیذان در دوران عقد دلالتی ندارد. در ذیل به بیان این ادله می‌پردازیم:

دلیل اول: کتاب

- آیه ۳۴ سوره نساء: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ...؛ مردان سرپرست زنانند به خاطر برتری‌هایی که خداوند برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و به خاطر انفاق‌هایی که از اموالشان می‌کنند».

- آیه ۳۳ سوره احزاب: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى...؛ و در خانه‌های خود بمانید و همچون جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید».

بررسی و تحلیل آیات مذکور

آیه ۳۴ سوره نساء دلالت می‌کند بر اینکه قوام بودن مردان بر زنان به دلیل انفاق مردان بر زنان است، زیرا در لسان العرب می‌خوانیم که: «گاهی قیام به معنای محافظت و اصلاح است» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲: ۴۹۷)، و قطب‌الدین راوندی قائل است: «قوام بر غیر یعنی کسی که متکفل و عهده‌دار امر او از قبیل هزینه، پوشاک و سایر نیازمندی‌ها است» (راوندی، ۱۴۰۵، ج ۲: ۱۱۶)؛ شیخ طوسی نیز می‌فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ: یعنی مردان متکفل و عهده‌دار حقوق زنان هستند، حقوقی که به نفع آنها بر عهده مردان است» (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۴: ۳۲۴). علامه طباطبایی نیز در تفسیر آیه فرموده‌اند: «قیمومیت مرد این است که مرد به خاطر اینکه در مقابل استمتاع از زن، هزینه زندگی زن را می‌پردازد، بر زن نیز لازم است در تمامی آنچه مربوط به استمتاع و همخوابگی مرد می‌شود، او را اطاعت کند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۵۴۴ و ۵۴۵). در نتیجه در صورت عدم تحقق شرایط

قیمومیت، مانند دوران عقد یا زوال قیمومیت مانند نشوز مرد در زندگی مشترک، حق الطاعه برای زن منتفی می‌شود.

آیه ۳۳ سوره احزاب، حتی به معنای ماندن زنان در خانه و حرمت خروج زن بدون اذن شوهر نیست، زیرا: مقصود از این دستور در آیه آن است که زن به‌منظور خودنمایی از خانه بیرون نرود، مخصوصاً در مورد زنان نبی(ص) این وظیفه مؤکدتر است؛ به‌علاوه در این آیه کلمه «حجاب» ذکر شده و در کلمات قدما، هر جا سخن از آیه حجاب بوده، مقصود همین آیه است (مطهری، بی‌تا، ج ۱۹: ۴۹۸). در نتیجه آیه به حجاب مربوط است، نه وجوب استیذان؛

دلیل دوم: سنت

- محمدبن مسلم از امام باقر(ع) نقل کرده است: زنی نزد پیامبر آمد و عرض کرد: ای رسول خدا، حق شوهر بر زنش چیست؟ پیامبر فرمود: اینکه از شوهر اطاعت کند و او را نافرمانی نکند و بی‌اجازه او از خانه خارج نشود و اگر بدون اجازه او بیرون رود، فرشتگان آسمان و زمین، و ملائکه غضب و رحمت، او را لعن می‌کنند تا زمانی که به خانه برگردد (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰: ۱۵۸).

- عمروبن جبیر از امام صادق(ع) نقل کرده است: زنی خدمت پیامبر آمد و گفت: ای رسول خدا، حق شوهر بر زن چیست؟ پیامبر فرمود: بیشتر از آن (چه می‌اندیشی) زن گفت: پاره‌ای از آن را بر من بازگو، پیامبر فرمود: زن حق ندارد بی‌اجازه شوهر، روزه مستحبی بگیرد و بدون اذن او، از خانه‌اش خارج شود (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰: ۱۵۸).

- علی‌بن جعفر در کتابش از برادرش امام کاظم(ع) نقل کرده است: از امام سؤال کردم آیا زن می‌تواند بدون اجازه شوهرش خارج شود؟ امام فرمودند: نه (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰: ۱۵۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰: ۲۸۲).

- حسین‌بن زید از امام صادق(ع) نقل کرده است: پیامبر نهی نمود از اینکه زن از خانه خود بی‌اذن شوهر خارج شود. پس اگر زن بی‌اذن شوهر از منزل خارج شود، همه فرشتگان آسمان او را لعن می‌کنند و نیز هر چیزی که بر آن می‌گذرد از جن و انس او را لعن می‌کنند تا به خانه‌اش بازگردد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳: ۳۲۹؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴: ۶).

- عبدالله بن سنان از امام صادق(ع) نقل کرده است: در زمان پیامبر(ص) مردی از انصار برای انجام دادن برخی از امور به مسافرت رفت و از زنش پیمان گرفت که از خانه‌اش خارج نشود تا آنکه او برگردد. در این میان، پدر زن بیمار شد، زن به پیامبر پیغام فرستاد و اجازه خواست که به عیادت پدرش برود. پیامبر فرمود: نه، در خانه‌ات بنشین و از شوهرت اطاعت کن. پس حال پدرش بدتر شد، زن دوباره از پیامبر برای رفتن به عیادت پدرش اجازه خواست، باز پیامبر فرمود: در خانه‌ات بنشین و از شوهرت اطاعت کن. پدر آن زن فوت کرد و زن به پیامبر پیغام فرستاد که پدرم فوت کرده آیا اجازه می‌دهید که بر او نماز گزارم؟ پیامبر فرمود: نه، در خانه‌ات بنشین و از شوهرت اطاعت کن. هنگامی که پدر دفن شد، پیامبر به آن زن پیام فرستاد که خداوند تو و پدرت را به سبب اطاعتی که از شوهرت نمودی بخشیده است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰: ۱۷۴ و ۱۷۵).

- شیخ صدوق در خصال، به سند خویش از جابر بن یزید جعفی روایت کرده است که گفت از امام محمد باقر(ع) شنیدم که فرمود: «بر زنان نیست نه اذان و نه اقامه و نه جمعه و جماعت و نه عیادت مریض و نه تشییع جنازه و...» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰: ۲۲۰).

- سکونی از امام صادق(ع) نقل کرده است که پیامبر(ص) فرمودند: «هر زنی که از خانه‌اش بی‌اذن خارج شود [استحقاق] نفقه ندارد تا اینکه بازگردد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۵۱۴).

بررسی و تحلیل روایات مذکور

روایات فوق به‌طور کلی در زمان ائمه(ع) صادر شده‌اند که در آن زمان عقدبستگی مطرح نبوده است و زنان در منزل شوهران بودند و شوهران نفقه آنها را پرداخت می‌کردند.

به‌علاوه شایسته است که روایات را حمل بر زنان ناسازگار کرد که بدون رعایت حق کامجویی شوهر، خانه شوهر را رها می‌کنند (رک: نجفی، پاییز و زمستان ۱۳۹۱: ۱۱۵؛ حسینی حلبی، ۱۴۱۷: ۳۵۲؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۴: ۲۵۸)؛ آیت‌الله خوئی نیز فرموده‌اند: «روایاتی که بر حرمت خروج زن از منزل بدون اذن شوهر دلالت می‌کند، بر (منافات با حقوق شوهر) حمل می‌شود، چون قراین نشان می‌دهد مراد آن روایات از خروج، فقط خروج بی‌بازگشت یا خروج اعراض گونه‌ای است که مصداق نشوز باشد» (موسوی، ۱۴۱۸، ج ۲۰: ۱۰۰) در نتیجه حرمت

خروج بدون استیذان، مربوط به موردی است که زوج بر زوجه حق تمکین عام داشته باشد، و این حق زمانی است که زوج در دوران زندگی مشترک نفقه زوجه را پرداخت می‌کند، همان‌طور که برخی از روایات بر این امر تأکید دارند، از جمله: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ بَرْقِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعًا عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَصْبَهَانِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمَنْقَرِيِّ عَنْ سُبَّانِ بْنِ عَيْبَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّ النَّبِيَّ (ص) قَالَ: أَنَا أَوْلَى بِكُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ نَفْسِهِ وَ عَلِيٌّ أَوْلَى بِهِ مِنْ بَعْدِي فَقِيلَ لَهُ مَا مَعْنَى ذَلِكَ فَقَالَ قَوْلُ النَّبِيِّ (ص) مَنْ تَرَكَ دِينَنَا أَوْ ضَيَاعًا فَعَلَى وَ مَنْ تَرَكَ مَالًا فَلِوَرَثَتِهِ فَالرَّجُلُ لَيْسَتْ لَهُ عَلَى نَفْسِهِ وَ لِيَاةٍ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ مَالٌ وَ لَيْسَ لَهُ عَلَى عِيَالِهِ أَمْرٌ وَ لَا نَهْيٌ إِذَا لَمْ يُجْرَ عَلَيْهِمُ النَّفَقَةُ وَ النَّبِيُّ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) وَ مَنْ بَعْدَهُمَا الزَّمَهُمْ هَذَا فَمِنْ هُنَاكَ صَارُوا أَوْلَى بِهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ...؛ پیامبر (ص) فرمودند: من به هر مؤمنی سزاوارترم و علی (ع) پس از من چنین است. گفته شد معنای این سخن چیست؟ فرمودند: فرموده رسول خدا (ص) که هر کس بدهی یا نیازمندی به جای گذارد بر عهده من است و هر کس که مالی به جای گذارد، از آن ورثه است. مرد زمانی که مالی ندارد، ولایت ندارد و مرد هنگامی که به اهل و عیال نفقه ندهد، حق امر و نهی ندارد. پیامبر و امیرالمؤمنین و فرزندان ایشان (ص) مردم را بدان وامی دارند، از این‌رو بر مؤمنین بر خودشان اولی هستند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۴۰۶) که بر اساس روایت مردی که نمی‌تواند نفقه زن را پردازد، ولایت بر تمکین عام ندارد، در نتیجه در دوران عقد با توجه به اینکه زوج نفقه زوجه را نمی‌پردازد، ولایت عام بر زوجه ندارد، و خروج زوجه از منزل مستلزم اذن از زوج نیست.

دلیل سوم: ملازمه عقلی

شاهد ثانی برای اثبات این ادعا نوشته است: «حق استمتاع بر زن واجب است، این حق اختصاص به زمان یا مکان خاصی ندارد، پس زن نمی‌تواند کاری برخلاف این حق شوهر انجام بدهد، مگر اینکه از او اذن گرفته باشد. و یکی از کارهایی که با این حق شوهر منافات دارد، خروج از منزل است، حتی برای عیادت بستگان، زیرا این کارها حداکثر ارزشی که دارند استحباب یا اباحه است، اما رعایت حق شوهر واجب است» (عاملی،

بررسی و تحلیل ملازمه عقلی

ملازمه عقلی نیز حکم وجوب استیذان زوجه از زوج در دوران عقد را اثبات نمی‌کند، زیرا حاکم است به اینکه «حق استمتاع بر زن واجب است، در نتیجه یکی از کارهایی که با این حق شوهر منافات دارد، خروج از منزل است» که این امر به دوران زندگی مشترک مربوط است، نه دوران عقد که حق استمتاع زوج بر زوجه واجب نیست.

دلیل چهارم: ارتکاز متشرعه

آیت‌الله فاضل لنکرانی تنها دلیل دیدگاه مشهور را ارتکاز متشرعه دانسته و تصریح کرده‌اند که این دیدگاه هیچ دلیل معتبر لفظی (کتاب، سنت) ندارد (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱: ۴۸۰).

بررسی و تحلیل ارتکاز متشرعه

ارتکاز متشرعه نیز بر وجوب استیذان در دوران عقد دلالت نمی‌کند، زیرا ارتکاز متشرعه‌ای که آیت‌الله فاضل لنکرانی مطرح فرموده‌اند، ارتکاز متشرعه در زمان معصومین (ع) نسبت به وجوب استیذان زوجه از زوج برای خروج از منزل شوهر در دوران زندگی مشترک است، و در آن دوران عقدهستگی مرسوم نبود تا بتوان برای وجوب استیذان در دوران عقد، به ارتکاز متشرعه تمسک کرد.

در نتیجه: اولاً ادله قول اول به دوران زندگی مشترک مربوط است و شامل دوران عقد نیست، ثانیاً برخی از ادله تصریح کرده‌اند که دلیل وجوب تمکین عام و استیذان بر خروج در دوران زندگی مشترک نیز، پرداخت نفقه از ناحیه زوج به زوجه است، به این معنا که موضوع وجوب تمکین عام زوجه‌ای است که تحت سرپرستی شوهر قرار دارد و شوهر نفقه وی را پرداخت می‌کند و با توجه به این امر، لزوم استیذان زوجه از زوج مربوط به منزلی است که شوهر به‌عنوان نفقه تهیه می‌کند، و در دوران عقد که زوجه در منزل پدر یا منزلی غیر از مسکن شوهر سکونت دارد و شوهر نفقه وی را نمی‌پردازد، در خروج از منزل، به استیذان از شوهر نیازی نیست.

قول دوم: عدم وجوب اجازه زوجه از زوج برای خروج از منزل در دوران عقد

قائلان به این نظر عبارتند از: آیت الله تبریزی (استفتائات موجود در واحد پاسخ به سؤالات جامعه الزهراء (س) www.pasokhbesoalat.ir); آیت الله خامنه‌ای (استفتائات موجود در واحد پاسخ به سؤالات جامعه الزهراء); آیت الله مکارم شیرازی (استفتائات موجود در واحد پاسخ به سؤالات جامعه الزهراء).

در رابطه با این قول به صورت صریح و غیرصریح ادله‌ای وجود دارد که در ذیل به طرح و بررسی این ادله می‌پردازیم:

دلیل اول: شرط ارتکازی ضمنی

آیت الله مکارم شیرازی در رابطه با دلیل این قول می‌فرماید: «مبنای اصلی این قول عرف و عادت است که به صورت شرط ضمن عقد درآمده است، و شرط ضمن عقد اگر مخالف با عقد نباشد معتبر است» (استفتا از آیت الله مکارم شیرازی، ۱۳۹۶/۳/۱۱).

بررسی و تحلیل کلام آیت الله مکارم شیرازی

برخی از عرف‌ها در دوران کنونی به صورت ارتکازات عرفی و شروط ضمن عقد درآمده‌اند. مراد از مرتکزات عرفی معلومات، باورها و آگاهی‌هایی است که به سبب زندگی کردن و نشو و نما در میان عرف، به مرور زمان در عمق ذهن اهل عرف رسوخ کرده و جای گرفته است. به بیان دیگر، معلوماتی را که معمولاً به طور ناخودآگاه در عمق ذهن اهل عرف رسوخ کرده‌اند، مرتکزات عرفی می‌نامند (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۴، ج ۵: ۲۸۱) که این مرتکزات موجب پیدایش عرف و عادت واحد می‌شود (صدر، ۱۴۱۷، ج ۲: ۱۹) و حجت است (رک: حسینی شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۱: ۲۳۷).

مسئله «خروج زوجه از منزل بدون استیذان از زوج در دوران عقد» نیز از همین نوع است، یعنی از نوع شروط ارتکازی عرفی محسوب می‌شود که به صورت شرط ضمن عقد درآمده است، ولو اینکه در عقد به این شروط تصریح نمی‌شود، لکن عقد مبنی بر این شروط قرار می‌گیرد. مثل معامله که در معامله عقد مبنیاً بر صحت کالا واقع می‌شود و اگر کالا معیوب باشد، بایع باید عیب را به مشتری اعلام کند یا بگوید اگر عیبی داشت من بر

عهده نمی‌گیرم، لذا قاعده این است که در معامله، شرط ضمن عقد ارتكازی متعاملین «تحويل دادن جنس سالم به مشتری است». این شرایط ضمن عقد در همه عقود اهمیت دارد، به این معنا که دو طرف بر چه مبنایی و با چه ارتكازی وارد عقد می‌شوند.

لذا طبق مبنای آیت‌الله مکارم شیرازی، خانم‌ها می‌توانند در دوران عقد مانند قبل از عقد بدون استیذان از زوج رفت‌وآمد کنند و این از شروط ارتكازی ضمن عقد ازدواج در دوران کنونی است؛

دلیل دوم: ملازمه بین حق و وظیفه

برخی از فقها و از جمله صاحب جواهر معتقدند: «زوجه قبل از عروسی، برای خروج از منزل نیازی به اذن شوهر ندارد» البته ایشان نظر خویش را به صراحت بیان نرموده‌اند.^۱ آیت‌الله زنجانی در این زمینه می‌فرماید: «از مجموع کلام صاحب جواهر چنین به نظر می‌رسد که ایشان نشوز و عدم نشوز و ثبوت و عدم ثبوت نفقه را در همان مواردی می‌داند که شارع حقوقی برای مرد تثبیت کرده. پس بانویی که هنوز عروسی نکرده و به خانه

۱. صاحب جواهر می‌فرماید: «قد يقال: إن ظاهر النصوص المشتملة على بيان حق الزوج على المرأة، كون النشوز مسقطاً باعتبار تفويته الشرط الذي هو وجوب طاعتها و عرضها نفساً عليها، و عدم خروجها من بيته بغير إذنه، لا أنه مانع لوجوب النفقة الذي كان سبب وجوبها العقد مجرداً، كما هو واضح بأدنى التفات، بل ربما يشتم من قوله تعالى «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» ما يشبه معاوضة الاستمتاع بالإنفاق على نحو ما ورد من الإنفاق على الدابة عوض ما يستوفيه من منافع ظهرها، كما أنه يشتم من نصوص بيان حق كل منهما على الآخر مقابلة كل منهما لصاحبه نعم الإنصاف أن هذا المعنى المستفاد من النصوص المزبورة ليس هو اعتبار مطلق التمكين الذي فرعوا عليه الفروع المتجه بناء عليه سقوط النفقة لمن لم تمكن من ذلك و لو لعذر شرعي، ضرورة عدم مدخلية العذر شرعاً في صدق انتفائه المقتضى لانتفاء مشروطه و إن كان لا إثم عليها به، لأن الفرض معذوبتها شرعاً، فالمتجه حينئذ اعتبار الطاعة التي يكون عدمها نشوزاً في وجوب الإنفاق، و هو لا يكاد ينفك عن عدم النشوز، فلا يتجه الفرق بين القول بكون التمكين شرطاً و بين القول بكون النشوز مانعاً بعد فرض إرادة ما ذكرناه من التمكين على الوجه المزبور الذي مرجعه إلى اتحاد مصداق المراد من مفهوم التمكين و عدم النشوز بالنسبة إلى وجوب الإنفاق...» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱: ۳۰۷ - ۳۰۶).

شوهر نرفته و قهراً خروج از منزل یا درخواست مباشرت هم در مورد او موضوعیت ندارد و در واقع حقوقی علیه او تثبیت نشده...» (شبییری زنجانی، ۱۴۱۹، ج ۲۵: ۷۹۹۲). از کلام آیت‌الله شبیری زنجانی می‌توان به این نتیجه رسید که ایشان دلیل این قول را ملازمه بین حق و وظیفه می‌داند؛ به این معنا که چون در دوران عقد حقی علیه زوجه تثبیت نشده است، وظیفه‌ای هم در تمکین از زوج ندارد؛

دلیل سوم: عرف

اگرچه عرف دلیل مستقلی برای این قول نیست، مؤید به حساب می‌آید، زیرا عرفاً در طول مدتی که دختر در دوران عقد در منزل پدر است، هنوز تحت سرپرستی پدر قرار دارد و وظایف زناشویی نیز بر وی واجب نیست، و عرف نیز موضوع وجوب تمکین را زوجه‌ای می‌داند که تحت سرپرستی و نفقه شوهر قرار دارد.

نتیجه اینکه قول اول مبنی بر «وجوب استیذان در دوران عقد» به واسطه نقد ادله پذیرفتنی نیست و قول دوم یعنی «عدم وجوب استیذان در دوران عقد» را ادله‌ای مانند شرط ارتکازی ضمن عقد، ملازمه بین حق و وظیفه و عرف پشتیبانی می‌کند؛

مستثنیات (استثنائات عدم جواز خروج)

همان‌طور که در فوق ذکر شد، غالب فقها قائل به وجوب مطلق استیذان زن از شوهر در خروج از منزل (اعم از دوران عقدکردگی و زندگی مشترک) هستند، بر فرض پذیرش این قول، مواردی به‌عنوان استثنا وجود دارند که خروج در زمان عقد نیز شاید در این موارد قرار گیرد، زیرا ایشان قائل به «ممنوعیت مطلق خروج زن از منزل بدون اذن شوهر در غیر انجام واجب» هستند، بنابراین زوجه می‌تواند در امور واجب و مورد استثنا، بدون اذن شوهر از منزل خارج شود و خروج از منزل در دوران عقد، می‌تواند مندرج در یکی از این عناوین واجب و مستثنا قرار گیرد.

امور واجب و مورد استثنا عبارتند از:

۱. خروج برای انجام دادن فعل واجب، مثل صلۀ رحم و... (فاضل لنکرانی، بی تا، ج ۱: ۴۳۱)؛

۲. خروج برای دفع عسر و حرج تحمل‌ناپذیر جانی، مالی و عرضی (فاضل لنکرانی، بی‌تا، ج ۱: ۴۳۱)؛

۳. خروج برای ضروریات زندگی، مثل تظلم و دادخواهی (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۶: ۱۲۳)؛

۴. فرضی که نهی زوج مصداق اضرار شود. می‌توان ادعا کرد که اطلاقات ادله دال بر اطاعت از اوامر و نواهی زوج، نسبت به موردی که نهی زوج از باب اضرار و اذیت زوجه باشد، انصراف دارد؛ زیرا اطلاقات برای موردی است که زوج از این نهی یک خواسته منطقی دارد، نه اینکه بخواهد انتقام بگیرد و دلیل آن آیه ۶ سوره طلاق است. ما تابع کبرای کلی هستیم گاهی خروج داخل در اضرار است و گاهی عدم‌الخروج (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۶: ۱۲۴)؛

۵. شرط کردن خروج در ضمن عقد، مثلاً زن در موقع عقد شرط کرده است که تحصیلاتش را ادامه دهد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۶: ۱۲۴؛ بهجت گیلانی، ۱۴۲۸، ج ۴: ۵۴) یا مثلاً خروج زوجه از منزل در دوران عقد بدون استیذان از شوهر، که در دوران کنونی به صورت ارتکاز عرفی و شرط ضمن عقد درآمده است.

در نتیجه بر طبق نظر افرادی که قائل بر وجوب مطلق استیذان هستند نیز، زوجه در امور واجب و مورد استثنا، می‌تواند بدون استیذان از منزل خارج شود که یکی از این امور «شرط خروج در ضمن عقد» است و خروج زوجه از منزل در دوران عقد بدون استیذان از شوهر نیز، به دلیل اینکه در دوران کنونی به صورت عرف و عادت درآمده و از شروط ارتکازی ضمن عقد شده، مندرج در این عنوان است؛

حق حبس

حق حبس از حقوق مربوط به عقود معوض است، به این معنا که هر یک از طرفین می‌تواند متاعش را نگه دارد تا عوض را بگیرد. این حق در رابطه با عقد ازدواج نیز ثابت است، زیرا نکاح در واقع نوعی معاوضه بین منافع زن و مهر محسوب می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۶: ۵۲)، در نتیجه مشهور فقها قائلند به اینکه زوجه می‌تواند از تمکین در برابر زوج امتناع کند تا

زمانی که مهریه‌اش را به صورت کامل دریافت کند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱: ۴۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۷۴؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۲۶۹؛ حسینی حلبی، ۱۴۱۷: ۳۴۸؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۴: ۴۵۹) که این امر را اصطلاحاً حق حبس می‌نامند.

اما این قول دارای شروطی است:

۱. مهریه حال باشد (مؤجل نباشد) (رک: علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۷۴؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۴: ۴۵۹)؛

۲. امتناع قبل از آمیزش باشد (طباطبایی حائری، بی تا، ج ۲: ۱۴۹؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱: ۴۱). البته استتمعات به غیر از مقاربت، سبب از بین رفتن حق حبس نمی‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۱: ۲۱۹).

به علاوه اکثریت فقها فرقی بین دخول اکراهی یا اختیاری نمی‌گذارند (ششیری زنجانی، ۱۴۱۹، ج ۲۲: ۷۰۴۲) اما برخی فقط دخول اختیاری را مسقط حق امتناع می‌دانند (رک: طوسی، ۱۴۰۸: ۲۹۹).

اجماع مهم‌ترین دلیل مشهور فقها بر امکان استفاده زوجه از حق حبس است (حلی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۵۹۱؛ عاملی، ۱۴۱۳، ج ۸: ۱۹۴) و از آنجا که این مسئله در زمان معصوم رایج بوده، ادله تقریر معصوم که دلیل حجیت اجماع است، شامل این مسئله می‌شود و اجماع دلیل مستقلی بر آن است (ششیری زنجانی، ۱۴۱۹، ج ۲۲: ۷۰۲۱ و ۷۰۲۲).

و اما در ارتباط با بحث اصلی، یعنی خروج زوجه از منزلی که در دوران عقد در آن سکونت دارد، در صورت استفاده از حق حبس در دوران عقد، دو قول مطرح است:

قول اول: امکان استفاده از حق حبس در خروج از منزل

برخی از فقها به ویژه بیشتر معاصران قائلند که زوجه در طول مدتی که از حق حبس استفاده می‌کند، خواه زمان عقد یا زمانی که تحت سرپرستی شوهر قرار دارد، می‌تواند به طور کلی از تمکین خاص و عام امتناع کند، در نتیجه می‌تواند بدون اذن زوج از منزل خارج شود. این فقها عبارتند از:

- آیت‌الله منتظری (منتظری نجف‌آبادی، بی‌تا، ج ۲: ۳۸۸)؛ آیت‌الله گلپایگانی (موسوی گلپایگانی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۳۶۵)؛ آیت‌الله شبیری زنجانی (مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه، ۱۳۸۱، ج ۴: ۹۸)؛ آیت‌الله نوری همدانی (مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه، ۱۳۸۱، ج ۴: ۹۸)؛ آیت‌الله مکارم (مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه، ۱۳۸۱، ج ۴: ۹۸).

قول دوم: عدم امکان استفاده از حق حبس در خروج از منزل

برخی از فقها قائلند به اینکه زوجه در طول مدتی که از حق حبس استفاده می‌کند، می‌تواند تنها از تمکین خاص امتناع کند، در نتیجه نمی‌تواند بدون اذن زوج از منزل خارج شود. فقهایی که قائل به این قول هستند عبارتند از:

- آیت‌الله تبریزی (مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه، ۱۳۸۱، ج ۴: ۹۷)؛ آیت‌الله سیستانی (مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه، ۱۳۸۱، ج ۴: ۹۷)؛ آیت‌الله بهجت (رک: بهجت گیلانی، ۱۴۲۸، ج ۴: ۳۴ و ۳۵). البته برخی از قداما در رابطه با این امر این‌گونه فرموده‌اند: علامه حلی: «... و لها أن تمتنع قبل الدخول من تسليم نفسها حتى تقبض المهر» (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۷۴)؛ شهید ثانی: «... لها أن تمتنع من تسليم نفسها حتى تقبض مهرها» (عاملی، ۱۴۱۳، ج ۸: ۱۹۱) که برخی از صاحب نظران قائلند به اینکه نمی‌توان از این متون به این نتیجه رسید که زوجه در طول حق حبس، تنها می‌تواند از تمکین خاص امتناع کند، زیرا تعبیر «نفس» در عبارات فوق مبین آن است که قلمرو حبس تنها وطی نیست، بلکه تمام منافع زن برای مرد را دربرمی‌گیرد (هدایت‌نیا، پاییز ۱۳۸۶: ۴۷).

بررسی دو قول مذکور

با بررسی مطالب مذکور به نظر می‌رسد که قول اول پذیرفتنی است، یعنی زوجه در دوران عقد در صورت استفاده از حق حبس، می‌تواند به‌طور کلی از تمکین خاص و عام امتناع کند و بدون اذن زوج، از منزل خارج شود، به دلیل اینکه:

اولاً بر اساس حق حبس، هر یک از طرفین می‌تواند متاعش را نگه دارد تا عوض را بگیرد، لذا زوجه نیز می‌تواند به‌طور کلی از متاعش یعنی تمکین (عام و خاص) امتناع کند تا مهریه‌اش را دریافت کند؛

ثانیاً همان‌طور که برخی از صاحب‌نظران عقیده دارند، می‌توان گفت که مراد قدما از عبارت «نفس» شامل تمام منافع زوجه (تمکین عام و خاص) می‌شود، خصوصاً اینکه اکثر فقهای متأخر قائلند به اینکه زوجه می‌تواند در دوران حق حبس، از تمکین عام و خاص امتناع کند؛

ثالثاً در حال حاضر بانوان غالباً در دوران عقد از حق حبس استفاده می‌کنند و در این دوران همان‌طور که اشاره شد هنوز دختر تحت سرپرستی پدر است و به اذن زوج در خروج از منزل نیازی نیست؛

خروج زوجه در دوران عقد از منظر حقوق موضوعه

به‌طور کلی در حقوق موضوعه، در رابطه با مسئله خروج زوجه از منزل در دوران عقد بستگی، مبحث خاصی وجود ندارد، بلکه تنها ماده‌ای که متناسب با همین مضمون در حقوق موضوعه وجود دارد، ماده «۱۰۸۵» قانون مدنی است، مبنی بر اینکه: «زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند، مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع، مسقط حق نفقه نخواهد بود».

لفظ «وظایف» در این قانون عام است و شامل تمامی وظایف زناشویی می‌شود، اما برخی از حقوقدانان در رابطه با محدوده لفظ «وظایف» قائل شدند به اینکه: «این ماده اگرچه به زن اجازه داده که بتواند از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد، امتناع کند تا مهر خود را دریافت دارد، ولی باید متذکر بود که در حقوق امامیه، زن فقط از نزدیکی با شوهر می‌تواند امتناع نماید تا مهر خود را دریافت کند والا زن نمی‌تواند انجام وظایف دیگر از قبیل حسن معاشرت و سکونت در منزل شوهر و اطاعت از او را، موکول به گرفتن مهر کند. بدین جهت به‌نظر می‌رسد که باید ماده را تفسیر نموده و حق امتناع زن را از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد، منحصر به نزدیکی دانست و چنانچه تردید در وجود حق مزبور در مورد وظایف دیگر زن شود، اصل عدم آن است» (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ج ۴: ۳۹۴ و ۳۹۵).

اما در نهایت دیوان عالی کشور با صدور رأی وحدت رویه ۷۱۸ مورخ ۱۳۹۰/۲/۱۳ قلمرو حق حبس را به مطلق وظایف زناشویی گسترش داد و قائل شد به اینکه: «زن در صورت حال بودن مهر می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده، از ایفای مطلق وظایفی که شرعاً و قانوناً در برابر شوهر دارد، امتناع نماید. لذا تمکین در ماده حاضر، مطابق رأی وحدت رویه اخیرالذکر، محدود به تمکین خاص (رابطه جنسی) نیست» (بیات/ بیات، ۱۳۹۲: ۲۲۰).

از نظر حقوقی حق حبس اعم از آن است که شوهر معسر باشد یا توانگر، مگر اینکه پرداخت مهریه، به تمکین مالی شوهر منوط شده باشد (طاهری، ۱۴۱۸، ج ۳: ۱۷۶). سقوط حق امتناع نیز با دو امر است:

۱. برای پرداخت مهر اجلی معین شده باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۵۷)؛
۲. زن قبل از اخذ مهر به ایفای وظایفش قیام کند (طبق ماده ۱۰۸۶ ق.م). البته اگر نزدیکی با اجبار و تهدید از طرف زوج انجام گیرد، حق حبس ساقط نمی‌شود (طاهری، ۱۴۱۸، ج ۳: ۱۷۶).

نتیجه‌گیری

دوران عقدبستگی، به معنای فاصله زمانی بین عقد تا آغاز زندگی مشترک بین زوجین، یکی از مسائل عرفی در کشور ایران در دوران اخیر است که توجه در این دوران، غالباً در منزل پدر خویش یا منزلی غیر از مسکن شوهر سکونت می‌کند. اما یکی از مسائل مستحدثه در ارتباط با این دوران، مسئله خروج زوجه از منزل است، زیرا به دنبال دیدگاه مشهور فقها مبنی بر «وجوب استیذان زن از شوهر برای خروج از منزل» این سؤال مطرح خواهد شد که این حکم بر دوران عقد و خروج زوجه از منزلی که در دوران عقد در آن سکونت می‌کند نیز، تعمیم‌پذیر است یا خیر؟

در فتاوی صریح فقها:

۱. غالب فقها قائل به وجوب استیذان شده‌اند، اما با تحلیل ادله ایشان به این نتیجه می‌رسیم که این ادله به وجوب استیذان در دوران زندگی مشترک و پرداخت نفقه از سوی

زوج به زوجه مربوط است و بر وجوب استیذان در دوران عقد دلالتی ندارد. به علاوه بر فرض که این قول را بپذیریم، فقها در این قول قائل به «جواز خروج زوجه از منزل بدون اذن شوهر در امور واجب و مورد استثنا» هستند که یکی از این امور «شرط کردن خروج در ضمن عقد» است که شامل خروج زوجه از منزل در دوران عقد و بدون استیذان از شوهر نیز می‌شود؛ زیرا این خروج در عرف کنونی به صورت شرط ضمن عقد درآمده است؛

۲. برخی از فقها قائل به عدم وجوب استیذان شده‌اند، چون این امر در دوران کنونی به صورت شرط ارتكازی ضمن عقد درآمده است، و به دلیل ملازمه بین حق و وظیفه، علاوه بر اینکه عرف نیز مؤید این قول است. صحیح به نظر می‌رسد.

در مسئله حق حبس (که گاهی بانوان در دوران عقد از این حق استفاده می‌کنند): برخی از فقها قائلند که زوجه می‌تواند به طور کلی از تمکین خاص و عام امتناع کند، و بدون اذن شوهر از منزل خارج شود؛ اما برخی قائلند زوجه تنها می‌تواند از تمکین خاص امتناع کند و نمی‌تواند بدون اذن شوهر از منزل خارج شود. اما با بررسی تعریف حق حبس و تعبیری که می‌توان از واژه «نفس» در عبارت فقها ارائه داد و همچنین عرف کنونی، به این نتیجه می‌رسیم که قول اول مبنی بر عدم وجوب استیذان صحیح است. حقوق موضوعه نیز قول اول را تأیید می‌کند، زیرا به استناد ماده «۱۰۸۵» ق.م. زوجه دارای حق حبس است و بعد از اختلاف نظر بین حقوقدانان، در نهایت دیوان عالی کشور قلمرو حق حبس را به مطلق وظایف زناشویی (تمکین خاص و عام) گسترش داد.

در نتیجه در دوران عقد زوجه می‌تواند بدون استیذان از زوج، از منزل خارج شود و بر اساس ادله و عرف، موضوع وجوب استیذان زوجه‌ای است که تحت سرپرستی و پرداخت نفقه از سوی شوهر است، لذا لزوم استیذان زوجه از زوج، به منزلی مربوط است که شوهر به عنوان نفقه تهیه می‌کند.

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی.
۱. امامی، حسن (۱۳۷۴). حقوق مدنی: کتابفروشی اسلامیه.
 ۲. ابن بابویه، محمد (۱۴۱۳ ق). من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۳. ابن منظور، ابوالفضل (۱۴۱۴ ق). لسان العرب، بیروت: دارالفکر.
 ۴. استفتائات موجود در واحد پاسخ به سؤالات جامعه الزهراء (س)، www.pasokhbesoalat.ir
 ۵. بحرانی، یوسف (۱۴۰۵ ق). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۶. بهجت گیلانی، محمد تقی (۱۴۲۸ ق). استفتائات (بهجت)، قم: دفتر حضرت آیت‌الله بهجت.
 ۷. بیات، فرهاد؛ بیات، شیرین (۱۳۹۲). حقوق مدنی بر اساس آخرین نظریات برجسته علمای حقوق: انتشارات ارشد.
 ۸. حر عاملی، محمد (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
 ۹. حسینی شیرازی، صادق (۱۴۲۷ ق). بیان الأصول، قم: دارالانصار.
 ۱۰. حسینی حلبی (ابن زهره)، حمزه (۱۴۱۷ ق). غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
 ۱۱. حکیم، محمد تقی (۱۴۱۸ ق). الأصول العامة فی الفقه المقارن، قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع).
 ۱۲. حلی (ابن ادریس)، محمد (۱۴۱۰ ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۱۳. حلی (فخرالمحققین)، محمد (۱۳۸۷ ق). ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
 ۱۴. راوندی، قطب‌الدین (۱۴۰۵ ق). فقه القرآن فی شرح آیات الأحکام، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

۱۵. شبیری زنجانی، موسی (۱۴۱۹ ق). کتاب نکاح، قم: مؤسسه پژوهشی رأی پرداز.
۱۶. طاهری، حبیب الله (۱۴۱۸ ق). حقوق مدنی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۸. طباطبایی حائری، علی (بی تا). ریاض المسائل (ط - القدیمة)، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۱۹. طباطبایی حکیم، محسن (۱۴۱۶ ق). مستمسک العروة الوثقی، قم: مؤسسه دارالتفسیر.
۲۰. طباطبایی حکیم، محمد سعید (۱۴۱۴ ق). المحکم فی أصول الفقه، قم: مؤسسه المنار.
۲۱. طوسی، محمد (۱۴۰۷ ق). الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۲. _____ (۱۳۸۷ ق). المسوط فی فقه الإمامیة، تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
۲۳. _____ (۱۴۰۸ ق). الوسيلة إلی نیل الفضیلة، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲۴. طوسی، محمد (۱۴۰۰ ق). النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دارالکتاب العربی.
۲۵. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین (۱۴۱۳ ق). مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
۲۶. علامه حلی، حسن (۱۴۱۰ ق). إرشاد الأذهان إلی أحكام الإیمان: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۷. _____ (۱۴۱۳ ق). قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۸. علی دوست، ابوالقاسم؛ عشایری منفرد، محمد (بهار ۱۳۹۰). بازپژوهی خروج از منزل بدون اذن شوهر از منظر قاعده لاضرر، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۵۱، سال سیزدهم: ۴۳ - ۷۳.
۲۹. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۱ ق). تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - النکاح، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).

۳۰. _____ (بی‌تا). *جامع المسائل (فارسی - فاضل)*، قم: انتشارات امیر قلم.
۳۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۱). *حقوق مدنی: خانواده*: شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا.
۳۲. کلینی، محمد (۱۴۰۷ق). *الکافی (ط - الإسلامیة)*، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۳۳. محقق حلی، نجم‌الدین، جعفر (۱۴۰۸ ق). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام*، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۳۴. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ق). *بحار الأنوار (ط - بیروت)*، بیروت: دارالإحياء التراث العربی.
۳۵. مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه (۱۳۸۱). *مجموعه آرای فقهی قضایی در امور حقوقی (نکاح ۲)*، قم: معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه.
۳۶. مطهری، شهید مرتضی (بی‌تا). *فقه و حقوق (مجموعه آثار)*، قم: بی‌جا.
۳۷. مفید، محمد (۱۴۱۳ ق). *المقنعة (للشیخ المفید)*، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ ق). *استفتائات جدید (مکارم)*، قم: مدرسه امام علی بن ابی‌طالب (ع).
۳۹. _____ (۱۴۲۴ ق). *کتاب النکاح (مکارم)*، قم: مدرسه امام علی بن ابی‌طالب (ع).
۴۰. منتظری نجف‌آبادی، حسینعلی (بی‌تا). *رسالة استفتائات*، قم.
۴۱. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۴۲۲ ق). *استفتائات (امام خمینی)*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۲. موسوی خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۰ ق). *منهاج الصالحین (للخوئی)*، قم: مدینه العلم.
۴۳. _____ (۱۴۱۸ ق). *موسوعه الإمام الخوئی: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی (ره)*.
۴۴. موسوی گلپایگانی، محمد رضا (۱۴۰۹ ق). *مجمع المسائل*، قم: دارالقرآن الکریم.
۴۵. نجفی (صاحب جواهر)، محمد حسن (۱۴۰۴ ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*،

بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

۴۶. نجفی، زین العابدین (پاییز و زمستان ۱۳۹۱). خروج زن از منزل و اذن شوهر از منظر فقه

امامیه، مجله فقه و مبانی حقوق، شماره ۲، سال چهل و پنجم: ۱۰۳ - ۱۲۳.

۴۷. هدایت‌نیا، فرج‌الله (پاییز ۱۳۸۶). حق حبس زوجه برای استیفای مهر، فصلنامه حقوق

اسلامی، شماره ۱۴: ۳۷ - ۶۴.